



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه	۴۹	تاریخ	۱۴۰۳/۰۹/۲۴
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	نوع اول: استدلال به روایات				
عنوان ۵	مقدمه: انواع تواتر				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور و تکمیل درس گذشته

بحث ما پیرامون استدلال بر اثبات حجیت خبر، با استناد به روایات یا سنت معصومین علیهم السلام بود. در مقدمه، بیان کردیم که استدلال برای اثبات حجیت خبر با تکیه بر روایات، منوط به وجود روایات متواتر در اثبات حجیت خبر است. به عبارت دیگر، برای اثبات حجیت خبر واحد، باید به خبر متواتر استناد کرد. در غیر این صورت، اگر بخواهیم برای اثبات حجیت خبر واحد به خبر واحد دیگری تمسک کنیم، دچار توقف شیء بر نفس، مصادره به مطلوب یا دور خواهیم شد.

در ادامه، به بیان مرحوم میرزای نائینی رحمته الله در تقسیم تواتر پرداختیم. ایشان ابتدا تواتر را به سه قسم لفظی، معنوی و اجمالی تقسیم کرده‌اند. تواتر لفظی، آن است که جامع مشترک بین اخبار، لفظ باشد. تواتر معنوی، آن است که جامع مشترک، معنا باشد و تواتر اجمالی، آنجایی است که مشترک لفظی و معنوی وجود نداشته باشد. به تعبیر مرحوم آقای صدر، در این نوع تواتر، صرفاً تراکم کمی وجود دارد؛ نه تراکم کیفی. در مواردی که جامع مشترک معنوی یا لفظی وجود دارد، ما با تراکم معنایی یا تراکم لفظی مواجه هستیم که هر دو، تراکم کیفی محسوب می‌شوند. در این حالت، صرفاً تراکم عددی مطرح نیست؛ بلکه اخباری که تعداد بالایی دارند، در یک جامع مشترک یا در لفظ یا در معنا مشترک هستند. این، به تعبیر شهید صدر رحمته الله، جامع مشترک کیفی است که در بحث تواتر، به تفصیل به آن پرداخته‌ایم.

هنگامی از تواتر، یقین حاصل می‌شود که احتمال کذب در خبر متواتر، آنقدر ضعیف شود که به نزدیک صفر برسد یا به تعبیری دیگر، از صفحه ذهن محو شود. اگر احتمال کذب به این میزان ضعیف شود که ذهن دیگر توان نگهداری آن را نداشته باشد، یقین به صدق حاصل می‌شود. پس، هنگامی که گفته می‌شود احتمال کذب باید تضعیف شود تا به نزدیک نقطه صفر برسد، به این معناست که باید عاملی وجود داشته باشد که این احتمال کذب را تضعیف کند و در مقابل، احتمال

صدق را افزایش دهد. هنگامی که احتمال کذب به حدی تضعیف شد که به صفر نزدیک شد، احتمال صدق، مقارب با یقین می شود و موجب اطمینان می گردد.

عاملی که باعث کاهش احتمال کذب می شود (مضعف)، می تواند کیفی باشد یا کمی. جامع مشترک، مضعف کیفی است که گاهی در معناست و گاهی در لفظ است. بدین معنا که محال است، مثلاً صد خبر، همه با لفظ واحد از روات متعدد از طریق های مختلف نقل شود و تمام آنها دروغ باشند. هنگامی که همه، یک لفظ واحد را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کنند، احتمال تواطؤ آنها بر کذب منتفی می شود. گاهی روایات، در معنا مشترک هستند؛ مثلاً تعداد زیادی از روات، نقل کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله، دست صدیقه کبری علیها السلام را بوسیده اند. همه این را نقل کنند، اما با الفاظ مختلف. در اینجا یک مشترک معنوی شکل می گیرد که مضعف کیفی است و احتمال اینکه این روات، تبانی بر کذب کرده باشند را آنقدر پایین می آورد که نزدیک به صفر می شود. در مقابل، احتمال صدق بالا می رود و نزدیک به صد می شود؛ البته صد نمی شود.

اخباری که برای حجیت خبر واحد مورد استناد قرار می گیرد، نه تواتر لفظی بینشان وجود دارد و نه تواتر معنوی؛ چرا که این خبرها در موارد و ابواب گوناگونی بیان شده اند که از آنها دلالت بر خبر واحد استفاده می شود و چنین نیست که روایتی وجود داشته باشد که «خبر واحد حجت است» و این روایت، متواتر باشد؛ بلکه این تواتری که ما می خواهیم برای اثبات حجیت خبر به آن استناد کنیم، از این قبیل است که اخبار فراوانی در ابواب مختلف فقهی وجود دارد که از این روایات پراکنده در ابواب مختلف فقهی، می توان به یک تواتر اجمالی رسید؛ یعنی اجمالاً اگر یکی از این خبرها درست باشد، حجیت خبر ثابت می شود. به همین دلیل در اینجا از تواتر اجمالی بحث می کنیم.

[سؤال یکی از شاگردان: روایاتی که دلالت بر حجیت خبر می کنند، چرا متواتر معنوی نیستند؟ پاسخ استاد:] به این دلیل که هیچ معنایی بین این ها مشترک نیست؛ بلکه در مدلول التزامی شان جامع مشترک وجود دارد. بحث در همین مورد است. مرحوم میرزای نائینی می گوید که ما اصلاً تواتر اجمالی نداریم. به هر حال، این صد خبری که ما می خواهیم به آنها برای اثبات حجیت خبر استناد کنیم، یا لفظشان با هم مشترک است یا در معنای مطابقی شان مشترک اند، یا در معنای التزامی شان. اگر در هیچ یک از این لفظ و معنا با هم مشترک نباشند و تنها صرف تراکم محض باشد، چه فایده ای دارد؟ چه چیزی را اثبات می کند؟ مثلاً فرض کنید بگوییم امروز در شهر قم قطعاً هزار خبر رد و بدل شده است. هزار خبری که هیچ جامع مشترک ندارند؛ نه معنای لفظی، نه معنای مطابقی و نه معنای التزامی، چه حاصلی دارد؟ مگر اینکه مثلاً کسی بخواهد آمار بگیرد که در این صورت نیز در آنجا یک جامع مشترکی درست می کنند و آن همان ارسال خبر است که جامع مشترک بین همه این ها است. آن وقت می تواند بگوید در اینجا، تواتر وجود دارد که ارسال خبری شده است.

خلاصه حرف میرزا این است که تا جامع مشترکی نباشد، تواتر معنی ندارد. جامع مشترک هم یا لفظی است یا معنوی. جامع مشترک معنوی نیز یا مطابقی است یا التزامی. مرحوم میرزا می فرمایند که اگر مشترک لفظی یا مشترک معنوی بین اخبار متواتر نباشد، ما نمی توانیم یقین به صدق هیچ یک از آنها پیدا کنیم؛ زیرا همانطور که در خبر اول احتمال کذب می رود، در خبر دوم هم احتمال کذب می رود و خبر سوم و چهارم و پنجم نیز همینطور است و در تمام آنها احتمال کذب وجود دارد. به عبارت دیگر، اگر به صورت تک تک به این اخبار نگاه شود، در هیچ یک اطمینان به صدق وجود ندارد؛ بلکه احتمال کذب

می‌رود. عدم یقین به صدق، به اضافه عدم یقین به صدق، به اضافه عدم یقین به صدق، نتیجه‌اش عدم یقین به صدق است. تراکم این عدم‌ها روی همدیگر، نمی‌توانند به یک وجود و یقین به صدق منتهی شود.

اشکال مرحوم خوئی بر بیان میرزای نائینی

مرحوم خوئی رحمته الله علیه در اینجا ایرادی بر این فرمایش می‌گیرند؛ هم ایراد نقضی و هم ایراد حلی.

اشکال نقضی

ایراد نقضی مرحوم خوئی رحمته الله علیه این است که اگر این‌گونه اشکال بگیرید، در آنجایی که مشترک لفظی و معنوی باشد نیز عین همین اشکال وارد است؛ زیرا در اشتراک لفظی یا اشتراک معنوی نیز در تک‌تک خبرها، عدم یقین به صدق وجود دارد و تراکم این عدم یقین‌ها، به یقین منجر نمی‌شود. به عبارت دیگر، اشکال این است که چه فرقی بین تواتر اجمالی با تواتر لفظی یا معنوی وجود دارد که شما می‌گویید تواتر لفظی و معنوی، ما را به یقین می‌رساند، ولی تواتر اجمالی ما را به یقین نمی‌رساند؟ این اشکال نقضی ایشان است که اگر شما بخواهید این‌گونه استدلال کنید برای نفی تواتر اجمالی و بگویید تواتر اجمالی ما را به یقین نمی‌رساند چون به یک معنا، در تواتر اجمالی، صفر به اضافه صفر وجود دارد که منتهی به عدد نمی‌شود، همین اشکال در تواتر معنوی یا در تواتر لفظی نیز وارد است؛ چطور در آنجا نمی‌گویید که منتهی به صفر می‌شود و اینجا می‌گویید منتهی به صفر می‌شود؟

یک مطلبی خود میرزا رحمته الله علیه در بحث تواتر داشتند؛ اما نمی‌دانم چرا اینجا که می‌آید، ایشان به این مطلب توجه نمی‌کنند یا شاید مقرر به درستی تبیین نکرده است؛ زیرا خود ایشان در بحث تواتر، تراکم احتمالات را مطرح می‌کنند. البته مرحوم شهید صدر رحمته الله علیه در اینجا قیدی دارند که مفید است که در آینده توضیح بیشتر آن خواهد آمد؛ اما به صورت اجمال، ایشان می‌فرمایند که معمولاً احتمال صدق، اقوی از احتمال کذب است؛ یعنی وقتی کسی خبر می‌دهد، احتمال ادعای کذب، ضعیف‌تر از احتمال صدق است؛ زیرا بنای عقلا بر راست گفتن است. بنای عقلا در اخبارات، خبر راست گفتن است و لذا وقتی مخبری خبر می‌دهد، این‌گونه نیست که احتمال کذب با احتمال صدق همیشه یکسان باشد؛ بلکه احتمال صدقش همیشه - ولو یک درجه - بر احتمال کذب بیشتر است. این جاست که آن وقت تراکم کمی محض، می‌تواند ما را به یقین برساند. چون فرض می‌کنید که احتمال صدق در خبر اول مثلاً ۵۱ درصد است، احتمال کذب آن ۴۹ درصد. در صورت تراکم اخبار، این درجه احتمال، به تعداد خبرها ضرب می‌شود؛ مثلاً فرض کنید که در خبر اول یک درصد احتمال قوی‌تر از احتمال صدق بود، چون ۵۱ درصد احتمال صدق داشت، در مورد دوم و سوم نیز همین‌طور؛ در این صورت وقتی این یک درصدهای افزون بر احتمال کذب، تراکم پیدا می‌کنند و هنگامی که نسبت احتمال صدق، بر عدد خبرها ضرب شود، احتمال صدق، بالا می‌رود؛ تا به جایی می‌رسد که احتمال کذب، نزدیک به صفر بشود. بنابراین بر مبنای حساب احتمالات که شهید صدر رحمته الله علیه مطرح می‌کنند، می‌توان حرف میرزا را توجیه کرد و گفت آن تراکمی که مرحوم میرزا گفت، در حقیقت همان حساب احتمالات است که شهید صدر رحمته الله علیه از آن به حساب احتمالات تعبیر می‌کند و مرحوم میرزا از آن به تراکم احتمالات تعبیر می‌کند. در تراکم احتمالات، این مطلب را بیان می‌کنند؛ اما در اینجا به نظر می‌رسد ایشان صرف تراکم احتمالات را موجب یقین نمی‌دانند و می‌فرمایند ما نمی‌توانیم تواتر اجمالی را قبول کنیم؛ زیرا هیچ جامع مشترکی بین اخبار در تواتر اجمالی وجود ندارد.

از همین رو مرحوم خویی رحمته الله علیه ایراد می گیرند بر میرزا که این که شما می فرمایید تواتر اجمالی نداریم، درست نیست و می توان اجمالی درست کرد که در نتیجه تراکم احتمالات صدق، به یقین به صدق احد الاخبار برسیم.

اشکال حلی

مرحوم خویی رحمته الله علیه در اشکال حلی، می فرماید^۱ هیچ گاه اینطور نیست که نتوان هیچ جامع مشترکی بین اخبار پیدا کرد؛ بلکه در موضوع، زمان، مکان، وسیله انتقال خبر و ... می توان جامع مشترکی بین اخبار ایجاد کرد؛ مثلاً صد خبر درباره علی بن ابی طالب علیه السلام وجود داشته باشد که تنها جامع مشترکشان این باشد که درباره امیرالمؤمنین هستند. همچنین مانند اینکه در مکان واحد یا زمان واحد، صد خبر داده شده است که هیچ اشتراک معنایی و لفظی بین آنها وجود ندارند؛ اما یک جامع مشترکی بین آنها وجود دارد که در مکان واحد گفته شده است؛ این، می شود تواتر اجمالی. در اینجا می توان گفت که حتماً یکی از این خبرهای صدگانه ای که - مثلاً - در مدرسه فیضیه گفته شده، صادق است. بنابراین در اینجا نیز جامع مشترکی وجود دارد؛ منتها جامع مشترک لفظی یا معنوی نیست.

همین که یک جامع مشترک بین اخبار وجود داشته باشد - اگرچه مشترک لفظی و معنوی نباشد، یقین حاصل می شود که نمی شود تمام این تعداد روایات، کذب باشد؛ این، تواتر اجمالی است. بنابراین در تواتر اجمالی، وجود قدر و جامع مشترک کافی است؛ اگرچه این جامع مشترک، نه لفظ باشد و نه معنا؛ زیرا همواره احتمال صدق در اخبار، بیش از احتمال کذب است؛ لذا تراکم آنها، باعث افزایش احتمال صدق می شود. البته در گذشته از شهید صدر رحمته الله علیه بیان کردیم که اگر چنین جامع مشترکی بخواهد موجب یقین به صدق شود، نیاز است که مقدار کم، بسیار بالا دارد.

ما در اینجا حرفی داریم و آن این است که در صورتی که چنین تواتر اجمالی وجود داشته باشد و اجمالاً تواتر اجمالی که مضعف آن، مضعف کمی محض باشد را قبول کنیم - مانند همین مثالی که زدیم - ترتب ثمره بر آن بسیار نادر است؛ یعنی چه ثمری مترتب می شود برای اینکه گفته شود حتماً یکی از خبرهایی که امروز در مدرسه فیضیه گفته شده، صادق است؟ ممکن است در بعضی از موارد نادر، ثمره ای بر آن بار شود؛ اما ثمره اش نادر است.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين

۱. البته این بیان از ماست و ظاهراً مقصود ایشان چنین است.